

# آوتيس سلطان زاده منبع الهام بخش پرولتاريا



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: [internationalist.voice@gmail.com](mailto:internationalist.voice@gmail.com)

Homepage: [www.internationalist.tk](http://www.internationalist.tk)

استالینسم نه روند تکاملی انقلاب اکتبر، بلکه گور کن انقلاب اکتبر بوده است. استالینسم جشن پیروزی خود را برویرانه های انقلاب اکتبر و بر روی استخوانهای کمونیستهای بخون تپیده شده، برگزار کرد. استالین شریفترین، گرامی ترین کمونیستها، سازندگان انقلاب اکتبر را بنام کمونیسم سر بر خاک افکند. هیچ دیکتاتوری به اندازه استالین، کمونیست سر بر خاک نیانداخته است، تنها پس از آنکه نسلی از کمونیستها به خون غلتیدند، ضد انقلاب توانست خود را تثبیت کند. یکی از گرامیترین اینها اوتیس میکائیلیان (سلطانزاده) بود که نظرات و افکار او همچنان منبع الهام بخش برای پرولتاریا و کمونیستهای انترناسیونالیست است.

اوتیس میکائیلیان در سال ۱۲۶۸ خورشیدی در مراغه، در آذربایجانشرقی در خانواده ای ارمنی و فقیر بدنیا آمد. پدرش نجار و مادرش رختشو بود. پدر و مادرش خیلی زود از هم جدا شدند. او پنج سال در مراغه به مدرسه رفت، اما از آنجائیکه مادر اوتیس توان تامین هزینه تحصیل او را نداشت، در نوجوانی و در ۱۳ سالگی او را به مدرسه ای وابسته به کلیسای ارمنه، در نزدیکی ایروان فرستاد. او پس از اتمام مدرسه علوم دینی به جنبش کارگری قفقاز پیوست و در سال ۱۹۱۲ عضو بلشویکها شد. در پرسشنامه ای که برای بلشویکها پر میکند، خود را «فرزند رختشو و انقلابی حرفه ای» معرفی میکند. او در جریان انقلاب اکتبر در سال ۱۹۱۷ در سن پترزبورگ بود و در انقلاب اکتبر شرکت فعال داشت. اوتیس میکائیلیان نام سلطان زاده را به یاد پدر خود بعنوان اسم مستعار و یا اسم سیاسی انتخاب می کند و به این نام نیز مشهور است.

او از بنیانگذاران حزب عدالت در سال ۱۲۹۶ بود. پس از آن او نقش فعالی در جذب اعضاء جدید به ارتش سرخ در آسیای مرکزی ایفا کرد. او همچنین نقش فعالی در تشکیل اولین حزب کمونیست ایران در ژوئن ۱۹۲۰ در کنگره بندرانزلی، اولین کنگره حزب ایفا کرد و جناح چپ حزب را رهبری میکرد، جناح راست توسط حیدر عمو اوغلی هدایت میشد. خط مشی سیاسی حزب و اسناد کنگره اول توسط سلطانزاده تدوین گردیده بود و در همان کنگره به دبیر اولی حزب انتخاب گردید. او به همراه چند تن دیگر بعنوان نماینده در دومین کنگره کمینترن شرکت کردند. سلطانزاده در سال ۱۹۲۱ بعنوان مشاور لنین به سمت ریاست خاور نزدیک در کمیته های امور خارجه برگزیده شد.

سلطانزاده بخاطر دانش مارکسیستی، توانائی به عضویت هیات اجرائیه کمینترن در آمد. از اسناد دومین کنگره کمینترن در سال ۱۹۲۰ میتوان به «انقلاب کارگری و بین الملل کمونیست» اشاره کرد که در آن تاکید شده کمینترن حزب جهانی قیام کارگری و دیکتاتوری پرولتاریا است، امضای سلطان زاده در کنار نام لنین، تروتسکی، بوردیگا، پانکهرست و غیره به چشم میخورد.

در دومین کنگره انترناسیونال کمونیست در یکی از حساس ترین مباحث کنگره یعنی بحث پیرامون مسئله ملیتها و مستعمرات نماینده کمونیستهای ایران در کنار جناح چپ کنگره قرار میگیرد. سلطانزاده در پنجمین نشست کنگره چنین می گوید:

"فقط فرض کنیم که در هندوستان انقلاب کمونیستی آغاز شده است. آیا کارگران این کشور میتوانند بدون کمک یک جنبش انقلابی در انگلستان و اروپا در مقابل حمله بورژوازی سراسر جهان مقاومت کنند؟ طبیعتاً نه... انقلابی که در غرب آغاز شده است زمینه را در ایران و ترکیه نیز آماده ساخته و به انقلابیون نیرو بخشیده است. عصر انقلاب جهانی آغاز گشته است.

....

مسئله بر سر این است که باید بر خلاف جنبش های بورژوا دمکراتیک یک جنبش خالص کمونیستی بوجود آورده و بر پا نگه داشته شود. هر ارزیابی دیگری از واقعیت ها می تواند به نتایج تاسف انگیزی منجر گردد."

چند ماه پس از اولین کنگره حزب کمونیست ایران در یک اقدامی کودتائی ۱۲ نفر از ۱۵ عضو کمیته مرکزی منتخب کنگره اول منجمله سلطانزاده از رهبری حزب اخراج می شوند. علت این امر این بود که سلطانزاده با ارزیابی که از بورژوازی ملی ایران داشت، بورژوازی ملی را ارتجاعی ارزیابی میکرد، معتقد بود که مبارزه مستقیماً کمونیستی و تلاش در راستای انقلاب جهانی باید در دستور روز قرار گیرد. این افکار مورد تائید دفتر سیاسی بلشویک قفقاز و آذربایجان نبود، آنها رضا شاه را مترقی ارزیابی میکردند. ابهامات کمینترن در رابطه با بورژوازی ملی موجب تقویت رضا خان در ایران و آتاتورک در ترکیه شد. کمینترن در سال ۱۹۲۴ در رابطه با رضاخان اظهار داشت «رهبر جنبش انقلابی- ملی ایران، مردی که موفق به تضمین استقلال ایران شد.»

سلطانزاده به مخالفت جدی با این سیاست بلشویک قفقاز و آذربایجان بر می خیزد و با نوشتن مقالاتی این سیاست مخرب و نقشی که این سیاست به جامعه ایران و جنبش طبقاتی پرولتاریا ایفا میکرد را افشا میکند. با توجه به نقش ارزنده سلطانزاده در حزب بلشویک و انقلاب اکتبر، در ژانویه ۱۹۲۲ مجدداً در ترکیب رهبری حزب قرار می گیرد و به عنوان نماینده حزب کمونیست ایران در کمینترن پذیرفته می شود.

سلطان زاده از سال ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۶ نقش مهمی در هدایت حزب نداشت، علت این امر ممانعت محترمانه از بازگشت مخفی او به ایران توسط کمینترن و مشغول کردن او با دیگر کارها بود. در این مدت او بیشتر مشغول امور مربوط به کمینترن و فعالیت های حزب در اروپا بود و بعنوان یک اقتصاددان برای شوروی کار کرد و در ایجاد انستیتوی بانکداری شوروی نقش به سزایی داشت و

سر دبیر مجله بانكدارى شوروى بود. سلطان زاده حداقل هفت كتاب تدوين كرده (اخيرا يك كتاب او به فارسى ترجمه شده) و نقش مهمى در ترجمه آثار ماركسيستى فارسى ايفا كرد.

سياست هاى نادرست كمينترن در رابطه با بورژوازى ملى و در مورد مشخص در رابطه با ايران و در مورد رضاخان ابتدا بعنوان نخست وزير و سپس بعنوان پادشاه معضلات جدى براى جنبش كارگرى و سازماندهى اعتراضات كارگرى بوجود آورد. نوعى توهم براى عده اى بوجود آورد كه در روند خود موجب سركوب گسترده كمونيستها گرديد. بدنبال آن امكان برگشت قانونى سلطانزاده به ايران منتفى شد و او با پاسپورت جعلى براى شركت در پلنوم كميته مركزى مخفيانه وارد ايران شد. سلطانزاده با توانائى حتى توانست بریتانیائی ها را فریب دهد، آن موقع صنایع نفت ایران در دست بریتانیائی ها بود. بریتانیائی ها او را بعنوان نماینده يك شركت چكسلواكى به كمپانى نفت در آبادان دعوت كردند و تمام موسسات نفتى را به او نشان دادند. او به شوخى به رفقايش ميگفت شما در ايران زندگى مى كنيد، اما قادر نيستيد به جاهائى كه من در صنایع نفت رفتم، برويد.

در ششمين كنگره كمينترن سلطانزاده از موضع كمونيستى درگير بحث شديدى با هيلفردينگ و بوخارين (مدافعان استالين) بر سر ماهيت سرمايه مالى، جنبش هاى انقلابى و نقش پرولتاريا در كشور هاى مستعمره شد. كمينترن به رهبرى استالين- بوخارين نظريات پيشنهادهى سلطانزاده را در پيش نويس نهائى كنگره منتشر نكرد.

پس از پادشاه شدن رضا خان كه تحمل فعاليتهاى كمونيستها را نداشت در سال ۱۳۰۷ رضا خان سفير شوروى را فراخواند و مراتب اعتراض خود را عليه فعاليت كمونيستها اعلام كرد. عوامل استالين نيز دستور توقف هر گونه فعاليت عليه رضاخان را صادر كردند.

گمانه زنى هاى است مبنى بر اينكه نقش كمونيست ها در سازماندهى اعتراضات و اعتصابات كارگرى و بخصوص اعتصاب معروف كارگران نفت جنوب ايران، سركوب آن دسته از كمونيستهاى "ايرانى" را كه در روسيه گير كرده و به استالين تمكين نكرده بودند، چند سالى به عقب انداخت.

از آذر ۱۳۱۰ سلطانزاده زدائى شتاب بيشترى گرفت. طرفداران استالين، سلطانزاده را مسئول تمامى شكست ها معرفى كردند و اعلام كردند كه سلطانزاده با کنار گذاشتن «رهبرى جمعى»، رهبرى فردى خود را جانشين آن ساخته است و اجازه رشد گروه هاى واقعا كمونيست را نداده است. از اين تاريخ سلطانزاده اجازه انتشار نظرات خود را نداشت.

در سال ۱۳۱۱ سلطانزاده از سوى حكومت استالين به ضديت با لنين متهم شد و حزب كمونيست ايران منحل اعلام شد. او همچنان به انتقادهائى خود از سياست هاى كمينترن ادامه داد. زندگى سياسى و فعاليت سلطانزاده از اين تاريخ تا لحظه دستگيرى در هاله اى از ابهام قرار دارد. تاريخ

دقیق دستگیری سلطانزاده مشخص نیست. در ۲۵ تیر ۱۳۱۷ این تئوریسن بزرگ پرولتاریا توسط قاتل کمونیستها به اتهام «جاسوسی برای آلمان» در مسکو تیرباران شد. اخیراً در فضای مجازی ویدئویی منتشر شده است که در آن عده ای [۱] کتیبه یادبودی به یاد سلطانزاده در آخرین آدرسی که او میزیسته نصب کردند.

ضد انقلاب این ستاره سرخ را که در فضای سیاسی پرولتاری درخشید، به زمین اش کشید، بر خاک اش افکند، اما او همچنان از موضع کمونیستی، منتقد ضد انقلاب بود. در لحظه به خون تپیده شدن همچون یک انترناسیونالیست به خون غلتید. سر تعظیم فرود آوردن در مقابل چنین ستارگانی، چنین انترناسیونالیست‌هایی ادای احترام نمی‌کند بلکه باید بخاطر موضعی که آنها بخاطر آن به خاک افتادند، به مبارزه ادامه داد. پافشاری کردن به پرنسپیهای پرولتاری که او باور داشت و مبارزه کردن با آن نظام اجتماعی بربری که او علیرغم عمر کوتاهش جنگید، بهترین گرامیداشت یاد و خاطره عزیز سلطانزاده و سلطانزاده‌ها خواهد بود.

فیروز اکبری

۱۸ خرداد ۱۳۹۷

#### یادداشت:

[۱] ویدئو به زبان روسی است و تشخیص هویت یادبودکنندگان بدلیل عدم آشنائی ما به زبان روسی برایمان میسر نیست. ولی تصور ما این است که حداقل یکی از آنها نوه سلطانزاده است. لینک ویدئو در زیر است.

<https://www.youtube.com/watch?v=WQUGMSfqSWc>